

درآمد

نخستین تحقیقات علمی درباره سیره پیامبر و به تبع آن پژوهش درباره حدیث، از اواسط قرن نوزدهم میلادی در محافل دانشگاهی غربی رایج شد و همزمان برخی متون کهن حدیثی به همت خاورشناسان ترجمه یا تصحیح شد. گرچه در آن زمان، هنوز اعتبار تاریخی احادیث در جوامع علمی، محل بحث و منازعه قرار نگرفته بود؛ اما در اواخر قرن نوزدهم میلادی، ایگناتس گلدتسیهر با انتشار جلد دوم کتاب مطالعات اسلامی^۱ در اعتبار احادیث تردید کرد. به باور وی، بیشتر متون حدیثی، با زتاب اعتقادات، باورها و منظومه فکری دوره‌های متاخر اسلامی بوده و در همین فضا جعل و تدوین شده‌اند؛ بنابراین این متون را نباید منبع و مرجع تاریخی در تدوین سیره پیامبر و تاریخ صدر اسلام به شمار آورد. در نیمه قرن بیستم نیز یوزف شاخت، در کتاب خویش، مبادی فقه اسلامی^۲ بار دیگر در اعتبار و اصلت حدیث در قرن نخست هجری خدشه کرد. از نظراو، همه احادیث فقهی منسوب به پیامبر، ساختگی بوده و در قرن سوم هجری، پس از شافعی و به دست نظریه پردازان مکاتب فقهی متاخر جعل شده‌اند. با اینکه استنتاجات افراطی شاخت، اکثر از مطالعه روایات فقهی حاصل شده بود؛ اما او مدعی خویش را به عموم احادیث تعمیم داد. از این پس، روش شکاکانه گلدتسیهر و شاخت، سرلوحه پژوهش‌های حدیثی غربی قرار گرفت. پس از این دو مرحله مهم؛ یعنی دوره اعتماد بر منابع حدیثی تا اواسط قرن نوزدهم و دوره تشکیک در اصلت تاریخی احادیث تا اواخر قرن بیستم، حدیث‌پژوهی غربی در دو دهه آخر قرن بیستم و دهه نخست قرن بیست و یکم، شاهد تحولی تازه است که می‌توان از آن با عنوان رهیافتی میانه یاد کرد. در این رهیافت که محققانی چون یوزف فان اس^۳، گرگور شوئلر^۴ و هارالد موتسکی^۵ چهره‌های شاخص آن

نقد و بررسی کتاب

بررسی حدیث‌شناسی خاورشناسان: تبیین و تحلیل یا ترجمه و تدوین؟

سید علی آقایی

چکیده: مقالات و کتاب‌های منتشر شده در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم در غرب، ادبیات نسبتاً غنی را در حوزه حدیث پدید آورده است ولی بازتاب مطالعات حدیثی در دنیای غرب و تحولات آن در محافل علمی ایران اسلامی بسیار کم‌رنگ می‌باشد. به این منظور، نویسنده در مقاله حاضر درصدد معرفی و نقد کتاب «حدیث در نگاه خاورشناسان: بررسی و تحلیل مطالعات حدیث‌شناسی هارالد موتسکی»، برآمده است. بر این اساس، با بیان اطلاعاتی درباره کتاب، به تشریح مبسوط فصول آن می‌پردازد و ذیل معرفی هر فصل، به نقد فصل مربوط همت گماشته است. نویسنده در قسمت پایانی، پیشنهادهایی برای تصحیح کتاب گفته شده ارائه می‌کند.

کلیدواژه: مطالعات حدیث‌شناسی، هارالد موتسکی، حدیث‌شناسی غرب، حدیث در نگاه خاورشناسان، معرفی و نقد کتاب.

1. Ignaz Goldziher, *Muhammedanische Studien*, 2 vols., Halle, 1888-1890; English translation: *Muslim Studies*, tr. by C. R. Barber & S. M. Stern, London: George Allen and Unwin, 1967-1971.

2. Joseph Schacht, *The Origins of the Muhammadan Jurisprudence*, Oxford: Clarendon Press, 1950.

3. Joseph van Ess

4. Gregor Schoeler

5. Harald Motzki

است. شاخصه رویکرد نخست، آن است که به رغم انتقادهایی که در این رویکرد به دیدگاه مسلمانان درباره اعتبار حدیث وارد شده، ولی احادیث و منابع اسلامی را معتبر انگاشته است. محققان این جریان معتقدند متن و سند احادیث در مواردی جعلی و برساخته است؛ اما همچنان مجموعه موثقی از احادیث قابل دستیابی است. همچنان که شیوه نقد حدیث اسلامی در این رویکرد عموماً مقبول دانسته شده است. افراد شاخص در این دسته گوستاو وایل^۷، آلویز اشپرنگر^۸، ویلیام میور^۹، رینهارت دوزی^{۱۰} و آرنست یان ونسینک^{۱۱} هستند. در رویکرد شکاکانه، تحت تأثیر اندیشه اثبات‌گرایی اواسط قرن نوزدهم، درباره حدیث مواضع بدبینانه‌ای اتخاذ شده است. محققان این رویکرد از جمله ایگناتس گلدتسیهر و یوزف شاخت معتقدند که تقریباً همه احادیث منسوب به پیامبر در قرن دوم و سوم جعل شده‌اند. از نظر ایشان سند احادیث، اعتباری ندارد و بنابراین نقادی مسلمانان که تنها بر مبنای اسناد احادیث صورت گرفته، بی‌ارزش است و باید متن احادیث نقد و بررسی شود. اما در رویکرد سوم، که هارالد موتسکی نیز بدان تعلق خاطر دارد، پیش‌فرض‌ها و روش‌های حدیث پژوهی پیشین در غرب تحلیل و کلی‌گویی‌ها و تعمیم‌های آنها نقد و باطل شده است. در این رویکرد، حدیث به طور کلی نه معتبر است و نه جعلی، بلکه هر حدیث باید جداگانه بررسی شود تا اعتبار و وثاقت آن مشخص شود.

مؤلف در فصل دوم، دیدگاه‌های دانشمندان غربی درباره خاستگاه و اعتبار تاریخی حدیث را تبیین و نظرگاه متفاوت

هستند، اعتقاد بر آن است که درباره اعتبار یا عدم اعتبار تاریخی احادیث، نمی‌توان حکم کلی صادر کرد، بلکه هر حدیث را باید جداگانه بررسی کرد تا اعتبار و وثاقت آن مشخص شود.

با گذشت بیش از دو قرن از عمر حدیث پژوهی غربی، تحقیقات فراوانی درباره حدیث انجام شده است. مقالات و کتاب‌های منتشر شده در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، ادبیاتی نسبتاً غنی در این حوزه پدید آورده که پژوهشگران این حوزه را از آشنایی، فهم و سنجش آنها گزیری نیست. اما حقیقت امر آن است که بازتاب مطالعات حدیثی در دنیای غرب و تحولات آن در محافل علمی ما بسیار کم‌رنگ بوده و مراکز آموزشی و پژوهشی نسبت به این موضوع بی‌اعتنا بوده‌اند. چنان‌که جز ترجمه چند مقاله پراکنده، تلاشی جدی برای توصیف و تبیین این تحقیقات یا نقد و بررسی مسائل طرح شده در آنها صورت نگرفته است. این درحالی است که مطالعات غربیان و رویکردهای مختلف تحقیقاتی آنان در خور تبیین و تحلیل روزآمدند؛ به ویژه که آشنایی با این حوزه، اغلب در بردارنده فوایدی علمی و روش‌شناختی است که متاسفانه سال‌ها از حوزه‌های علمی و دانشگاهی و به تبع آن آثار پژوهشی ما غایب بوده است. کتابی که نگارنده، در نوشتار حاضر در پی معرفی و نقد آن است، گامی به جلو و در خور تقدیر در شناسایی حدیث پژوهی غربی به جامعه علمی ماست.

درباره کتاب

کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان: بررسی و تحلیل مطالعات حدیث‌شناختی هارالد موتسکی که گویا نسخه بازبینی شده رساله دکتری مؤلف در دانشگاه قم است، چنان‌که در مقدمه آمده تحلیلی روش‌شناسانه از مطالعات حدیث‌شناسی در غرب با محور پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی است (ص ۴). او تأکید می‌کند که «این نوشتار نخستین اثری است که در آن مطالعات حدیثی موتسکی به تفصیل مطرح شده» چه حتی «در زبان‌های اروپایی نیز تحلیل روش‌شناسانه‌ای از کارهای وی صورت نگرفته است» (ص ۵). این کتاب شامل یک مقدمه، پنج فصل و یک بخش ضمیمه موجز شامل شرح حال و کتابشناسی موتسکی است.

فصل نخست کوتاه و تنها مروری اجمالی بر تاریخچه حدیث پژوهی در غرب و معرفی رویکردهای حاکم بر آن است. مؤلف در این فصل رویکردهای مطالعات حدیث پژوهی در غرب را به سه دسته تاریخی بنیاد، شکاکانه و میانه‌رو تقسیم کرده

محققان مسلمان نظیر فواد سرگین، محمدمصطفی اعظمی و نبیه عبود را قبول دارند. برای تفصیل بیشتر در این باره، رک به:

Herbert Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*. Richmond: Curzon Press, 2000, Ch. 2; *Hadith Criticism*, esp. pp. 26-42; Gregor Schoeler, *Foundations for a new biography of Muhammad: The production and evaluation of the corpus of traditions from Urwah b. Al-Zubayr*, in: Herbert Berg, (ed.), *Method and Theory in the Study of Islamic Origins*, Brill, Leiden, 2003, p. 22;

ترجمه فارسی: «بازسازی سیره‌ای نو برای پیامبر: گردآوری و ارزیابی مجموعه روایات عروه بن زبیر» ترجمه سیدعلی آقایی، در سیدمحمد عمادی حائری؛ بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل؛ نمونه، تهران و قم: ۱۳۸۸، ص ۳۰۳-۳۱۳.

مؤلف در فصل اول، همین نامگذاری را برگزیده و عنوان اصلی قرار داده است: «جریان حدیث پژوهی میانه‌رو» (ص ۲۴)؛ اما در خلال بحث این نامگذاری را حاصل خطا در برداشت غربیان می‌داند. به گفته او این «پارادایم فرهنگ‌محوری» بوده که «باعث شده است که آنها با رویکردی پدیدارشناسانه به مطالعه در حدیث بپردازند» (ص ۲۵). جالب آنکه مؤلف خود به این انتقاد پایبند نبوده و در جاهای دیگر عنوان میانه‌رو را تکرار کرده است. برای نمونه، رک به: ص ۳۰۷.

7. Gustav Weil

8. Aloys Sprenger

9. William Muir

10. Reinhart Dozy

11. Arent Jan Wensinck

۶. محققان غربی خود این رهیافت را رهیافت میانه (middle ground/middle way) نامگذاری کرده‌اند. انتخاب این عنوان از آن رو بوده که محققان متعلق به این جریان نه شکاکیت تمام‌عیار گلدتسیهر و شاخت را موجه می‌دانند و نه دیدگاه‌های خوشبینانه

مبادی و تحولات^{۱۲} که مشتمل بر گزیده‌ای از مقالات حدیثی مهم و اثرگذار در قرن بیستم میلادی به ویراستاری خود اوست، ضمن گزارشی تحلیلی - تاریخی به مهم‌ترین مباحث، روش‌ها و مسائل حدیث پژوهی در غرب پرداخته است. او در این مقاله نخست مبادی مطالعات حدیثی جدید را مرور کرده و سپس خاستگاه و ارزش تاریخی حدیث، شیوه‌های حفظ و نقل حدیث و خاستگاه و اعتبار اسناد را از منظر دانشمندان غربی بررسی و تحلیل کرده است. علاوه بر تشابه کامل ساختاری و محتوایی (حتی ارجاعات^{۱۳}) این مقاله با مطالبی که در دو فصل نخست کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان آمده، نقل‌های مستقیم از ترجمه فارسی آن در لابه لای مطالب این دو فصل کاملاً مشهود است.^{۱۴} البته مؤلف گاه مطالب را تفصیل داده یا برخی توضیحات تکمیلی را از منابع همان مقاله به فصل‌های مذکور افزوده است و در مواردی نیز به اصل مقاله، ارجاع داده است.^{۱۵}

آنچه با عنوان تبیین دیدگاه موسیقی در فصل دوم آمده، حاصل مراجعه مؤلف به مقالات و کتاب‌های موسیقی یا پاسخ به سؤالاتی است که خود، از طریق نامه‌نگاری‌های الکترونیکی، با موسیقی داشته است. مؤلف هم در بخش‌های مقدماتی (ص ۴۸-۵۱، ص ۶۷-۸۰، ص ۹۸-۱۰۷) و هم در بخش پایانی و اصلی این فصل در خاستگاه و ارزش تاریخی حدیث (ص ۱۱۵-۱۵۸) نمونه‌هایی از مطالعات موسیقی را البته نه چندان موجز گزارش کرده است، بی آنکه روش یا نتایج وی را تحلیل کند.^{۱۶}

12. Harald Motzki (ed.), *Hadith: Origins and Developments*, Hampshire: Ashgate Publishing Limited, 2004, Introduction;

ترجمه فارسی این مقاله پیش‌تر منتشر شده است. هارالد موتسکی؛ «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»؛ ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، ش ۳۷-۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۲-۳۱. همچنین صورت خلاصه شده آن در «حدیث» ۱۳- حدیث پژوهی در غرب؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۲، ص ۷۷۳-۷۸۵ آمده است.

۱۳. اولین موردی که نگارنده را به صرافت بررسی دقیق‌ترین موضوع انداخت، ارجاعی در نخستین صفحه از فصل نخست کتاب (ص ۷، پاورقی ۱) به منبعی از قرن هفدهم میلادی بود که به طور کامل در مقاله موسیقی به آن ارجاع داده شده است. دسترسی به این دست منابع کهن لاتین در ایران بسیار دشوار است.

۱۴. البته مؤلف در پاورقی ص ۴۸ یادآور شده که ترجمه این مقاله هم در دسترس است، اما از استفاده مکرر از این ترجمه حرفی زده نشده است.

۱۵. برای نمونه رک به: صص ۸، ۲۳، ۳۰، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۶۴، ۸۷، ۸۸، ۱۰۶، ۱۱۳ و ۱۱۴. البته این ارجاعات اندک گمراه‌کننده است. در واقع، چنین وانمود می‌شود که تنها در این موارد از این مقاله بهره گرفته شده است. این درحالی است که بسیاری از دیگر ارجاعات کتاب نیز به طور کامل و بدون ذکر «به نقل از» گرفته شده است، به ویژه که برخی از این منابع در ایران در دسترس نیستند.

۱۶. این مطالعات به ترتیبی که در کتاب استفاده شده‌اند به همراه مشخصات کتاب‌شناختی‌شان، به قرار زیرند:

(۱) مبادی فقه اسلامی: فقه مکی پیش از مدارس سنتی

Die Anfänge islamischer Jurisprudenz. Ihre Entwicklung in Mekka bis zur Mitte des 2./8. Jahrhunderts, Stuttgart, 1991; English translation: *The Origins of Islamic Jurisprudence*:

موتسکی را با آنها مقایسه کرده است. وی برای بیان این موضوع، سه مقدمه با عناوین «حدیث و سنت نبوی»، «سنت‌های نقل و حفظ حدیث» و «سنت‌های انتقال حدیث» (خاستگاه اسناد و اعتبار آن) بیان کرده و در نهایت مباحث این فصل را در بخشی با عنوان «خاستگاه و ارزش تاریخی حدیث» در قالب زیر جمع بندی کرده است.

نخستین حدیث پژوهان غربی درباره اعتبار تاریخی حدیث دیدگاهی دوگانه داشتند. از یک سو گمان می‌کردند نقل شفاهی و تعصبات سیاسی و فرقه‌ای موجب تحریف و جعل احادیث شده است و از سوی دیگر، معتقد بودند که می‌توان با نقد و غربال احادیث، به هسته‌ای معتبر و اصیل دست یافت. از اواخر قرن نوزدهم به بعد، این دیدگاه انتقادی و در عین حال خوشبینانه جای خود را به دیدگاهی شکاکانه داد. گلدتسیهر و پس از او شاخ، بیشتر احادیث را جعلی و فاقد ارزش تاریخی می‌دانستند. به نظر گلدتسیهر احادیث به مثابه منبع شناخت صدر اسلام، ارزش تاریخی ندارند و تنها برای شناخت دوره‌ای که در آن جعل شده‌اند، قابل استفاده‌اند. شاخ نیز معتقد بود که احادیث فقهی منسوب به پیامبر، همگی جعلی‌اند و برای مقابله با آرای فقهی مکاتب مختلف، ساخته شده‌اند. شاخ نتایج مطالعات خود را به دیگر احادیث نیز تعمیم می‌داد. دانشمندان جریان میانه‌رو، اعتبار تاریخی حدیث را تا حدودی قبول دارند؛ به این معنا که آنها می‌پذیرند، خاستگاه حدیث به زمان پیامبر می‌رسد، هر چند فرایند تبدیل محفوظات مسلمانان از اقوال و اعمال پیامبر، از قالب شفاهی به قالب مکتوبات حدیثی به نیمه دوم قرن نخست هجری بازمی‌گردد. از این رو، اینان تردید گسترده دانشمندان شکاک در اعتبار و وثاقت حدیث را نمی‌پذیرند. موتسکی نیز تشکیک گسترده و بی‌سامان جریان افراطی حدیث پژوهان غربی را قبول ندارد. او از اظهار نظر کلی درباره اعتبار تاریخی حدیث خودداری می‌کند و معتقد است بدین منظور باید احادیث و جوامع حدیثی بیشتری با شیوه نقد منبع، تحلیل شود. موتسکی برای نشان دادن اعتبار تاریخی حدیث از یک سو در دلایل شکاکان و منتقدان افراطی خدشه می‌کند و از سوی دیگر می‌کوشد تا در مطالعات موردی، وثوق منابع روایی یا احادیث خاص را نشان دهد.

آنچه در فصل‌های اول و دوم کتاب، ذیل عنوان پیشینه حدیث پژوهی در غرب و دیدگاه‌های دانشمندان غربی درباره خاستگاه و اعتبار تاریخی حدیث آمده است، تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، تنها گزارشی تفصیلی از مقاله‌ای با همین عنوان از هارالد موتسکی است. وی در مقدمه کتابی با عنوان حدیث:

نقد دیدگاه‌های موتسکی که بر مواردی که مؤلف قصد تأیید دیدگاه‌های موتسکی را داشته، نیز وارد است.^{۱۹}

فصل سوم با عنوان «تاریخ‌گذاری و نقد حدیث» شامل دو مبحث است. نخست، مروری بر روش‌های تاریخ‌گذاری حدیث و دوم، روش نقد و تحلیل حدیث موتسکی. در مبحث نخست، مؤلف به چهار روش تاریخ‌گذاری حدیث اشاره کرده است که عبارتند از: تاریخ‌گذاری بر اساس متن، تاریخ‌گذاری بر اساس نخستین منبعی که حدیث در آن آمده است، تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل اسناد و تاریخ‌گذاری بر اساس اسناد و متن. مؤلف ضمن گزارش تلاش‌های حدیث‌پژوهان غربی ذیل هر یک از روش‌های گفته شده، انتقادهای موتسکی را نیز طرح کرده است. این بخش از کتاب در واقع گزارشی بسیار فشرده از مقاله‌ای مفصل از موتسکی با همین عنوان است.^{۲۰} مؤلف در این بخش، به هنگام نقل دیدگاه‌های موتسکی به این مقاله ارجاع داده است ولی در هنگام نقل سایر مطالب، ارجاعات مقاله اصلی را به طور کامل در پاورقی‌ها بیان کرده است. تنها ابداع مؤلف، مطلبی است که در پایان این مبحث افزوده که در مقاله اصلی نیست، آنجا که به مطالعات موردی موتسکی با استفاده از روش تاریخ‌گذاری بر اساس اسناد و متن اشاره کرده و برای نمونه، گزارشی از مقاله وی درباره «روایت جواز وضو با آب نیم‌خورده گربه»^{۲۱} را آورده است (ص ۱۸۴-۲۰۰). هرچند در اینجا نیز اثری از تحلیل یا نقد مؤلف نیست.

در مبحث دوم، مؤلف روش موتسکی در تحلیل و نقد احادیث را معرفی کرده است. این روش که همان روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن است^{۲۲} به گفته مؤلف سه مرحله دارد. تحلیل اسناد، تحلیل متن و تحلیل اسناد و متن. در مرحله نخست، راه‌های مختلف روایت در منابع مختلف جمع‌آوری و براساس

۱۹. یک نمونه جالب توجه آنجاست که از موتسکی مطلبی درباره اصالت مصنف عبدالرزاق و به‌ویژه بخش پیوست آن با عنوان الجامع نقل شده و در پایان آمده است: «موتسکی حتی به دلایلی به این نتیجه رسیده است که مؤلف کتاب الجامع که به پیوست المصنف آمده است، عبدالرزاق نیست بلکه بی‌شک استاد او معمر است (مصنف عبدالرزاق، ص ۱۰۲)». سپس در تأیید این گفته موتسکی که بر تجزیه و تحلیل متن شناختی استوار شده، در پاورقی آمده است: «در تأیید سخن موتسکی باید گفت که اتفاقاً این بخش با عنوان مصنف معمر در بیروت به چاپ رسیده است» (ص ۸۱، پاورقی ۱). گمان نمی‌کنم بتوان از نشر مستقل این کتاب ذیل نام معمر، آن هم از سوی یک ناشر بیرونی این نتیجه را گرفت که مؤلف واقعی این بخش معمر بوده است. استنباط موتسکی حاصل بحثی پردامنه و مناقشه‌آمیز در مطالعات متن شناختی است. چنان‌که وی برای ادعای خود ناگزیر از تدارک شواهد درون‌متنی فراوانی بوده که البته در گزارش مؤلف اثری از آنها نیست.

20. Harald Motzki, "Muslim Traditions: a Survey", *Arabica* 51 (2005), p. 204-253;

نگارنده این نوشتار، خود این مقاله را ترجمه کرده و به چاپ سپرده است.

21. Harald Motzki, "The Prophet and the Cat: On Dating Mālik's Muwaa and Legal Traditions", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 22 (1998), p. 18-83

22. Matn-cum-Isnād/Isnād-cum-Matn Analysis

اشکال اساسی در این بخش، آن است که مؤلف برای تبیین دیدگاه موتسکی از روشی بسیار ابتدایی بهره گرفته است؛ یعنی نقل/ترجمه مستقیم مطالب.^{۱۷} حال آنکه انتظار اولیه فراتر از این است؛ چنان‌که خواننده از عنوانی نظیر «تبیین دیدگاه موتسکی» چنین می‌پندارد که در این بخش جمع‌بندی دقیقی از دیدگاه موتسکی در آن موضوع، همراه با تجزیه و تحلیل آن فراهم آمده است؛ اما این انتظار چنان‌که باید برآورده نمی‌شود. در واقع، مؤلف این مهم را به خواننده واگذار کرده و در عوض این بخش‌ها را با گزارشی تفصیلی و گاه ترجمه بخشی از تحقیقات موتسکی پر کرده است.

نقد‌های مؤلف بر دیدگاه‌های موتسکی در پایان این بخش‌ها مایوس‌کننده‌تر است. وی در مقدمه به این موضوع توجه داده است که موتسکی به‌رغم مواضع میانه و حتی همدلانه‌اش با تلقی اسلامی، «به عنوان یک خاورشناس، از منظری برون‌دینی به پژوهش در منابع ما پرداخته است و احتمالاً دریافت‌ها و برداشت‌های وی از حدیث اسلامی کاستی‌ها و نارسایی‌هایی دارد که ضمن تحلیل مطالعات وی باید معلوم شود» (ص ۵). اما برخلاف انتظار، نه تنها از تحلیل مطالعات وی خبری نیست، که در نقد نقطه‌نظرات وی تنها بر دیدگاه‌های کلامی اسلامی و گاه شیعی تأکید شده است، بدون اینکه پیش‌فرض‌های روش‌شناختی او تحلیل و نقد شوند.^{۱۸} این اشکال نه تنها بر

Meccan Fiqh before the Classical Schools, trans. Marion Katz, Leiden, 2002, pp. 95-104, 158-166;

۲) «مصنف عبدالرزاق صنعانی؛ منبعی برای احادیث قرن نخست هجری»

"The *Musannaf* of Abd al-Razzāq al-sanānī as a Source of Authentic *Hadīth* of the first Century AH", *Journal of Near Eastern Studies* 50 (1991), P 1-21;

البته مؤلف از ترجمه فارسی آن بهره گرفته که شادی نفیسی در علوم حدیث؛ سال یازدهم، ش ۴۰، تابستان ۱۳۸۵، ص ۹۵-۱۲۲ منتشر کرده است.

۳) تاریخ‌گذاری موطأ مالک و روایات فقهی: تحلیل روایت جواز وضو با آب نیم‌خورده گربه:

"The Prophet and the Cat: On Dating *Mālik's Muwata* and Legal Traditions", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 22 (1998), p. 18-83;

۴) «فقه ابن شهاب زهری: مطالعه انتقادی»:

"Der Fiqh des Zuhri: die Quellenproblematik", *Der Islam* 68 (1991), p. 1-44; English translation: "The Jurisprudence of Ibn Šihāb az-Zuhrī: a Source-Critical Study" (Nijmegen, 2001), <http://webdoc.uhn.kun.nl/mono/m/motzki-h/jurifib.pdf>.

۱۷. عبارات «موتسکی می‌گوید» یا «موتسکی می‌نویسد» بارها تکرار شده است و در نهایت به یکی از کتاب‌ها، مقالات یا نامه‌های موتسکی ارجاع داده شده است (رک به: صص ۴۸-۵۱، ۶۷-۸۰، ۹۸-۱۰۷، ۱۱۵-۱۵۸). در یک نمونه عجیب، مؤلف ترجمه ده صفحه از کتاب مبادی فقه اسلامی (The *Origins of Islamic Jurisprudence*, p. 95-104) موتسکی را به طور کامل نقل کرده است (ص ۶۷-۸۰) و در توجیه آن نوشته است: «برای روشن شدن بحث، عین مطالب موتسکی درباره مکتوب یا شفاهی بودن روایات مصنف عبدالرزاق در زیر به فارسی برگردان شده است» (ص ۶۷).

۱۸. برای نمونه رک به: ص ۵۲-۵۳ در نقد برداشت موتسکی از مفهوم سنت و ص ۸۴-۸۶ در نقد دیدگاه موتسکی درباره مسئله کتابت حدیث.

«جمع قرآن»^{۲۵} گزارش شده است (ص ۲۳۲-۲۵۲).^{۲۶} در این مقاله موتسکی از روش تحلیل اسناد- متن، برای بررسی دوباره روایات جمع و تدوین قرآن، بهره گرفته و دیدگاه‌های دیگر محققان غربی را ارزیابی و نقد کرده است. بخش دوم؛ عنوان فقه و حدیث، مروری است بر کتاب مبادی فقه اسلامی موتسکی که رده‌ای بر نظریات مطرح شده از سوی یوزف شاخس در کتاب مبادی فقه اسلامی اوست (ص ۲۵۲-۲۹۵). البته مؤلف در پایان این بخش، نتایج این مرور تفصیلی را در هشت بند خلاصه کرده است (ص ۲۹۶-۲۹۹). بخش سوم تاریخ و حدیث نام گرفته، که ظاهراً ناظر به پژوهش‌های تاریخی موتسکی است. مؤلف، این بخش را با پیشینه مطالعات خاورشناسان درباره تاریخ اسلام و سیره پیامبر آغاز کرده است (ص ۲۹۸-۳۰۷) که هر چند حاوی اطلاعات ارزشمندی است ولی به ناهمگونی بخش‌های این فصل انجامیده است. چه اینکه اسلام‌شناسان غربی، مطالعاتی دیرین و گسترده درباره قرآن و فقه اسلامی نیز دارند که عیناً تاریخچه مختصری از آنها در آغاز بخش‌های قبلی در همین فصل ذکر شدنی بود. پس از آن، مؤلف به تبیین موضع و رهیافت موتسکی درباره مسئله سیره پیامبر پرداخته است و دست‌آخرا این بخش را با مروری بر محتوای مقاله «مقتل ابن ابی‌الحقیق» از موتسکی به پایان رسانده است. بدین ترتیب، فصل چهارم کتاب نیز چیزی فراتر از گزارش تفصیلی از محتوای دو مطالعه موردی^{۲۷} و نیز مروری بر کتاب مبادی فقه اسلامی^{۲۸} موتسکی نیست. این کاستی به ویژه در بخش سوم این فصل مشهود است که مؤلف در تحلیل روش شناختی مطالعات تاریخی موتسکی، به گزارش مقدمه اوبر کتابی که ویراستاری اش را نیز عهده‌دار بوده، بسنده کرده است.^{۲۹}

بنا بر آنچه تاکنون گفته شد، حاصل چهار فصل نخست برای

طبقه‌های مختلف راویان دسته‌بندی می‌شود تا حلقه مشترک آشکار گردد. در مرحله دوم متن‌های گوناگون حدیث جمع‌آوری و مقایسه می‌شود. در این فرایند، متن مکتوب اولیه و تحولات بعدی و وابستگی آنها با یکدیگر مشخص می‌شود. در مرحله سوم، نتایج به دست آمده از تحلیل اسناد و تحلیل متن با هم سنجیده می‌شود و در واقع، فرضیه محقق درباره حلقه مشترک و نقش آن در نقل حدیث آزموده می‌شود. از بررسی متنی گونه‌های مختلف روایت، علوم می‌شود که آیا حدیث پیش از حلقه مشترک نیز پیشینه‌ای داشته یا نه؟ همچنین استقلال متن‌های مختلف با اسانید متفاوت، حاکی از وثاقت حدیث دانسته می‌شود.^{۳۳} مؤلف در اینجا یک نمونه از تحلیل ترکیبی اسناد و متن را که موتسکی درباره احادیث مربوط به مقتل ابن ابی‌الحقیق انجام داده،^{۳۴} به تفصیل گزارش کرده است. بنابراین، بخش اخیر نیز بیش از آنکه در بردارنده تحلیلی روش شناختی از حدیث پژوهی موتسکی باشد، گزارشی طولانی از مقاله اوست.

در فصل چهارم با عنوان «مطالعات حدیثی موتسکی در حوزه‌های علوم اسلامی» - به ادعای مؤلف - پژوهش‌های موتسکی در زمینه قرآن، فقه و تاریخ برای نمایاندن اصالت منابع و مآخذ اسلامی تحلیل شده است. این فصل متشکل از سه بخش است. در هر بخش مؤلف گزارشی مبسوط از یکی از مقالات موتسکی را آورده تا گستره مطالعاتی او را نشان دهد. در بخش قرآن و حدیث، مقاله

۳۳. مقایسه کنید با نظر خود موتسکی که از قضا مؤلف نیز به طور کمال آن را نقل کرده است (ص ۱۸۳-۱۸۴)، در:

Harald Motzki, "Dating Muslim Traditions: a Survey", *Arabica* 51 (2005), p. 251.

در اینجا موتسکی برای تاریخ‌گذاری با روش تحلیل ترکیبی اسناد- متن پنج مرحله قائل شده است: ۱. گردآوری نسخه‌های مختلف حدیث از جوامع حدیثی موجود؛ ۲. ترسیم شبکه اسناد به منظور تعیین حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی؛ ۳. تحلیل اختلافات متنی نسخه‌های حدیث متناسب با خطوط مختلف نقل؛ ۴. مقایسه گروه‌های اختلافات متنی و سندی و بررسی میزان همبستگی آنها با هم؛ ۵. نتیجه‌گیری درباره ناقل متن اصلی و عوامل تغییرات بعدی در نسخه‌های مختلف حدیث.

24. Motzki, Harald. "The Murder of Ibn Abi l-Huqayq: On the Origin and reliability of Some Maghāzī-Reports", in Harald Motzki, ed. *The Biography of Muhammad: the Issue of the Sources* (Leiden, 2000), p. 170-239;

مؤلف گزارشی کوتاه و نه‌چندان دقیق از همین مقاله را پیش‌تر منتشر کرده است. فروغ پارسا؛ «مقتل ابن ابی‌الحقیق بر اساس اصالت و اعتبار برخی گزارش‌های مغازی»؛ در سیره پژوهی در غرب: گردیده متون و منابع؛ تدوین و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹-۲۵۲. همچنین برای نقد نگارنده بر این گزارش، رک به: سیدعلی آقایی؛ «فراز و فرود سیره‌پژوهی در غرب: مروری بر کتاب سیره‌پژوهی در غرب، برگزیده متون و منابع»؛ اینده پژوهش، سال نوزدهم، شماره ۲-۳، شماره پیاپی ۱۱۰-۱۱۱، خرداد - تیر - مرداد - شهریور ۱۳۸۷، ص ۴۸، پاورقی ۱۶. ترجمه فارسی کامل ولی نه‌چندان قابل اعتمادی از این مقاله نیز ضمن ترجمه اصل کتاب در دسترس است. «قتل ابن ابی‌الحقیق: درباره ریشه و اعتبار برخی گزارشات مغازی»؛ ترجمه عبدالله عظیمایی؛ در: زندگی‌نامه حضرت محمد (ص): بررسی منابع؛ ترجمه محمدتقی اکبری و عبدالله عظیمایی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱-۳۳۵.

25. Harald Motzki, "The Collection of the Qurān: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Developments", *Der Islam* 78 (2001), p. 1-31;

از این مقاله دو ترجمه کامل در دسترس است. یکی به قلم مؤلف کتاب حاضر با عنوان «جمع قرآن»؛ ترجمه فروغ پارسا؛ علوم حدیث، سال دوازدهم، ش ۴۴، بهار ۱۳۸۶، ص ۹۷-۱۲۶ و دیگری با عنوان «جمع و تدوین قرآن: بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی»؛ ترجمه مرتضی کریمی‌نیا؛ هفت آسمان، سال هشتم، ش ۳۲، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۵۵-۱۹۶.

۲۶. گفتنی است مؤلف پیش‌تر در مقاله‌ای مستقل دیدگاه موتسکی درباره روایات جمع و تدوین قرآن را بررسی کرده است. رک به: فروغ پارسا؛ «خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱، ۱۳۸۳، ص ۵۲-۷۲.

۲۷. مقالات «جمع و تدوین قرآن» و «مقتل ابن ابی‌الحقیق».

۲۸. گفتنی است ماهر جزار، مروری تفصیلی از اصل آلمانی این کتاب به زبان عربی نوشته که با نثری پاکیزه به فارسی ترجمه شده است. رک به: ماهر جزار، «معرفی کتاب مبادی فقه اسلامی»؛ ترجمه اسماعیل باغستانی، معارف، دوره بیستم، ش ۳، آذر-اسفند ۱۳۸۲، ص ۳۹-۵۳. مؤلف نیز در پایان این بخش در پاورقی به این ترجمه ارجاع داده است (ص ۲۹۶، پاورقی ۱).

29. Harald Motzki, ed. *The Biography of Muhammad: the Issue of the Sources* (Leiden, 2000), Introduction.

تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، زبان‌شناسی و حتی علم اقتصاد به طور بنیادین متحول شدند. تردید در فراروایت‌ها، تاکید بر اهمیت روایت‌ها و فرهنگ‌های بومی و محلی، اهمیت ارزش‌های معنوی و فرامادی و هججه به اندیشه‌ی تقلیل‌گرایی از ویژگی‌های پارادایم چرخش فرهنگی یا فرهنگ‌محوری است.

مؤلف از مقدمات بالا، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که خاستگاه رویکرد موتسکی در دفاع از وثاقت و اعتبار سنت و حدیث اسلامی را باید در همین پارادایم جستجو کرد (ص ۳۳۶). مؤلف در همین فصل تاکید می‌کند که مطالعات موتسکی بر روش‌های پژوهش تاریخی استوار شده است؛ اما در عین حال معتقد است، رویکرد روش‌شناختی وی نیز از پارادایم فرهنگ‌محوری تاثیر پذیرفته است. او بدین منظور نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف تاریخ‌نگاری را مرور کرده است (ص ۳۳۷-۳۴۹) و در نهایت نقاط تمایز دیدگاه‌های موتسکی با دیگر حدیث‌پژوهان غربی را در پیوند با پارادایم فرهنگ‌محوری تبیین می‌کند. به نظر او، مطالعه آثار موتسکی نشان می‌دهد که او دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه در پژوهش‌های تاریخی را انکار کرده است. در دیدگاه اثبات‌گرا مورخ برای اثبات یک واقعه سند و مدرک آن را جستجو می‌کند و در نبود اسناد و مدارک از اساس رخداد آن واقعه را انکار می‌کند؛

خواننده آن است که «با دیدگاه‌های حدیثی دانشمندان غربی و به ویژه تحولات این دیدگاه‌ها در آستانه هزاره سوم» آشنا شود. هرچند این آشنایی برخلاف انتظار، چندان قالب تحلیلی ندارد و بیشتر گردآوری، گزارش یا ترجمه‌گزیده‌ای از پژوهش‌های غربی است که خواننده آشنا پیش‌تر ترجمه برخی از آنها را نیز مطالعه کرده است. با این تفصیل، تنها دلخوشی خواننده به فصل پنجم کتاب است شاید آنجا مبانی روش‌شناختی مطالعات حدیثی موتسکی، تحلیل شده و به تعبیری که مؤلف در همین فصل به کار برده «خاستگاه‌های فلسفی و روش‌شناسی» او نمایانده شده باشد. مؤید این انتظار عنوان پرطمطراقی است که مؤلف برای این فصل در نظر گرفته است: «سنت حدیث پژوهی موتسکی»^{۳۰} چنان‌که سؤال اصلی پژوهش نیز - با تأکید مؤلف در مقدمه بر آن - در فصل پایانی کتاب پیگیری شده است: بررسی و تحلیل علل پیدایی این تحولات در مطالعات حدیث‌شناختی غرب (ص ۵). مؤلف معتقد است «مطالعات حدیثی موتسکی از پارادایم معاصر [و غالب] فلسفه علم در علوم انسانی تأثیر پذیرفته است» (ص ۳۲۸). البته به گفته او، «تبیین خاستگاه‌های فلسفی اندیشه موتسکی، مستلزم بحث دامنه‌داری در معرفی جریان‌های معاصر در فلسفه غرب است» (ص ۳۲۸) که هرچند در حوصله این کتاب نمی‌گنجد، بیان اجمالی آن ناگزیر می‌نماید: بحثی با عنوان «مروری بر تاریخ فلسفه معاصر غرب» (ص ۳۲۸-۳۳۷).

بدین ترتیب، مؤلف در مقدمه برای تحلیل پیش‌گفته، مروری مقدماتی بر تاریخ فلسفه علم و نظریه‌ها و رهیافت‌های تاریخ‌نگاری در دوران معاصر در غرب تدارک دیده است. حاصل جمع این مرور کوتاه، آن است که با پدیدارشدن اندیشه‌های پست‌مدرن، پارادایم جدیدی بر اندیشه فلسفی غربی سایه افکنده است که از آن با عنوان پارادایم «چرخش فرهنگی» یا «فرهنگ‌محوری» یاد می‌شود. در این پارادایم بیشتر شاخه‌های علوم انسانی همچون

۳۰. مؤلف در توجیه این نام‌گذاری در پایان مقدمه این فصل آورده است: «کثرت مطالعات موتسکی در حوزه حدیث اسلامی با توجه به نوع روش‌شناسی وی، در مجموع «سنتی» را به وجود آورده که می‌توان از آن به سنت حدیث‌پژوهی موتسکی تعبیر کرد» (ص ۳۲۶). گویا در این نام‌گذاری و توضیحات مربوط به آن، مفهوم «سنت» بیش از اندازه تقلیل یافته است. این موضوع وقتی روشن‌تر می‌شود که با کاربردهای مشابه این اصطلاح مقایسه شود. به نظر نمی‌رسد در دوران معاصر بتوان کسی را یافت که کثرت تحقیقات و روش‌های مطالعاتی‌اش آن قدر اثرگذار باشد که بتوان بر حاصل جمع کارهایش اصطلاح «سنت» را اطلاق کرد. افزون بر این، موتسکی تنها و حتی نخستین کسی نیست که این رهیافت به حدیث‌پژوهی را پی گرفته و آن را توسعه داده است. پیش از او کسانی چون یوزف فان اس و گرگور شوئلر، همین روش را در تحلیل احادیث به کار برده‌اند و در توسعه و تکمیل این روش نقش بسزایی داشته‌اند. همچنین، افزون بر روش‌شناسی مورد علاقه موتسکی، روش‌های تحلیل دیگری نیز هست که کسان دیگر آنها را پی گرفته، در مقالات متعدد عملی کرده و کارایی آنها را نشان داده‌اند؛ کسانی مانند خوتیر ئینیل، آری ژبین، یعقوب قسطنطین و در شهرت و اعتبار کم از موتسکی ندارند. با این توضیحات، بر مبنای مفهوم مورد نظر، مؤلف از سنت، سنت‌های حدیث‌پژوهی متعدد و البته متداخلی، در دوران حاضر قابل شناسایی خواهد بود.

حدیث در نگاه خاورشناسان

بررسی و تحلیل مطالعات حدیث‌شناسی هارالد موتسکی

مؤلف:

فروغ پارسا

انتشارات دانشگاه الزهراء

۱۳۸۸

از منظر سنت حدیث‌پژوهی اسلامی قابل طرح است؛ از جمله آشنایی اندک او با اصطلاحات رجالی و کاربرد آنها، نادیده گرفتن نقل به معنا و عدم توجه به تصحیف روایات و تأثیر این دودر پدیدایی اختلافات متنی در نسخه‌های یک حدیث و عدم توجه به علل جعل حدیث و پیچیدگی‌های موجود در احادیث موضوع. دست آخر، مؤلف چنین جمع‌بندی می‌کند: «برخلاف تصور موتسکی، تحلیل و نقد متن احادیث تنها به ملاحظه شباهت یا مغایرت الفاظ آنها محدود نیست، بلکه این مهم منوط به داشتن دانش گسترده‌ای در علوم مختلف حدیث ... است» (ص ۳۵۶). به نظر می‌رسد که در بیان کاستی‌های روش‌شناسی موتسکی از منظر اسلامی، خلطی روش‌شناختی رخ داده است. روشی که موتسکی بدان اعتماد کرده است، از اساس تاریخی و مستقل از پیش‌فرض‌های درون‌دینی است؛ بنابراین، نمی‌توان توقع داشت که وی در پژوهش‌های خود شاخص‌های حدیث‌شناسی اسلامی را هم، رعایت کند. اینکه او تا چه حد با مفاهیم حدیث‌شناسی اسلامی آشناست یا در آنها خبرگی دارد، دخلی به صحت و سقم روش‌شناسی وی ندارد؛ برای نمونه، مؤلف از عدم توجه موتسکی به فرایند نقل به معنا در روایات و تأثیر آن در پدیدایی اختلافات متنی در نسخه‌های مختلف روایت، انتقاد کرده است (ص ۳۵۶). این انتقاد به هیچ‌روی وارد نیست؛ زیرا موتسکی روش‌شناسی خود را بر پیش‌فرض‌ها و مبانی‌ای استوار ساخته که از قضا در این مورد، مؤلف نیز به تفصیل بدان پرداخته است. وی تصویری خاص از نظام آموزش و نقل روایات در سده‌های نخست هجری، به دست داده است که در آن نقل روایات، همزمان شفاهی و کتبی بوده است. وی بر همین مبنا نتیجه‌گیری کرده که در این فرایند چه نوع تغییراتی پدید آمده و با همین پیش‌فرض، متون مختلف یک روایت را با هم مقایسه و نسخه اصلی را بازایی کرده است.^{۳۴}

pruden. Ihre Entwicklung in Mekka bis zur Mitte des 2./8. Jahrhunderts, by Harald Motzki, Stuttgart, 1991", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 59:1 (1996), pp. 141-142; Irene Schneider, "Review on *Die Anfänge islamischer Jurisprudenz. Ihre Entwicklung in Mekka bis zur Mitte des 2./8. Jahrhunderts*, by Harald Motzki, Stuttgart, 1991", *Journal of American Oriental Society* 114, 4 (1994), pp. 684-685; G.H.A. Juynboll, "New Perspectives in the Study of Early Islamic Jurisprudence", *Bibliotheca Orientalia* 49:3-4 (1992), pp. 357-362.

در این مقالات موتسکی به ساده‌اندیشی و غفلت از فرایند جعل در حدیث اسلامی متهم شده است. این در حالی است که برخی از پژوهشگران مسلمان غربی روش موتسکی را ستوده‌اند. برای نمونه:

Asma Afsaruddin, "Review on *The Biography of Muhammad: the Issue of the Sources*, ed. by Harald Motzki, Leiden, 2000", *Journal of American Oriental Society* 121, 4 (2001), pp. 726-728; Yasin Dutton, "Review on *The Biography of Muhammad: the Issue of the Sources*, ed. by Harald Motzki, Leiden, 2000", *Journal of Islamic Studies* 14, 2 (2002), pp. 205-208.

۳۴. برای تفصیل بیشتر، رک به: کتاب حاضر، فصل دوم، بخش دوم: سنت‌های نقل حدیث اسلامی، به ویژه ص ۶۷-۸۴.

حال آنکه موتسکی این نوع استدلال را برهان مبتنی بر سکوت^{۳۱} نامیده و در موارد متعدد آن را رد کرده است. همچنین موتسکی معتقد است درباره وقایع تاریخی، تعمیم نتایج موردی جایز نیست و باید در هر مورد، جداگانه تحقیق کرد که این نیز از وجوه تمایز او با حدیث‌پژوهان اثبات‌گراست. بررسی آثار موتسکی نشان می‌دهد او تقلیل‌گرا هم نیست؛ به این معنا که او برای تحلیل اخبار و اطلاعات در منابع اسلامی نظریه‌پردازی نمی‌کند تا در صورت عدم تطابق اسناد با نظریه خویش، آنها را جعلی و نامعتبر بشمارد. برعکس او می‌کوشد تا با فرهنگ اسلامی با رویکردی پدیدارشناسانه، مواجه شود و بدون جانبداری و از منظر همان فرهنگ، وقایع را تحلیل کند. احساس همدلی و همنوایی با فرهنگ و تمدن اسلامی نیز در آثار موتسکی مشهود است و این خود، شاهد دیگری بر مدعای اثرپذیری وی از پارادایم فرهنگ‌محوری است. بر همین مبنا موتسکی نمی‌پذیرد حجم عظیم منابع اسلامی نامعتبر تلقی شوند و کاربردی در پژوهش‌های تاریخی نداشته باشند.

مؤلف با بیان برخی مؤلفه‌های روش‌شناسی موتسکی، به این نتیجه رسیده است که او از پارادایمی رایج در فلسفه علم در دوران معاصر تأثیر پذیرفته است. به نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری، آن هم با مقدمه کوتاهی که برای آن فراهم شده، حتی به فرض صحت، اندکی شتابزده است. در واقع، شاید بتوان گفت این نتیجه‌گیری بیش از آنکه نتیجه تحقیق مؤلف باشد، پیش‌فرض اوست. او تنها کوشیده است برای این پیش‌فرض شواهد کافی فراهم کند که ذیل عنوان بررسی و تحلیل روش‌شناسی موتسکی گرد آمده است (ص ۳۴۹-۳۵۲). این مدعا آنجا تأیید می‌شود که مؤلف در فصل‌های گذشته نیز همین پیش‌فرض را مبنای تحلیل خویش از حدیث‌پژوهی موتسکی قرار داده است.^{۳۲}

مؤلف فصل پنجم را با انتقادهایی از روش‌شناسی موتسکی در تحلیل احادیث به پایان می‌برد. این انتقادات از دو منظر مختلف طرح شده‌اند. برخی انتقادهایی است که حدیث‌پژوهان غربی در مرورهای خود بر آثار وی طرح کرده‌اند. مؤلف در این باره از مقاله‌های مروری محققان غربی بهره گرفته و برخی انتقادات آنها را فهرست کرده است.^{۳۳} اما دسته دوم اشکالاتی است که

31. Argument from silence

۳۲. برای نمونه، رک به: فصل ۱، ص ۲۵ و فصل ۴، ص ۳۱۲.

۳۳. مؤلف از مقاله‌های مروری هربرت برگ، جerald هاتینگ، ایرنه اشنايدر و نیز مقاله‌ای از خوتیر نیبل درباره چشم‌اندازهای جدید در مطالعه فقه اسلامی کهن، برای طرح انتقادات غربیان بهره برده است که مشخصات کتابشناختی آنها به قرار زیر است:

Herbert Berg, "Review on *The Origins of Islamic Jurisprudence: Meccan Fiqh before the Classical Schools*, by Harald Motzki, Leiden, 2000", *Journal of Middle East Studies* 36 (2004), pp. 288-289; Gerlad Hawing, "Review on *Die Anfänge islamischer Juris-*

مراکز دانشگاهی را با حجم گسترده‌ای از پژوهش‌ها و روش‌های حدیث‌پژوهی غربی و به‌ویژه گزیده‌ای از آثار یکی از چهره‌های سرشناس این حوزه آشنا می‌کند و ادبیات پژوهشی در این حوزه را توسعه می‌دهد. در عین حال، این پیشنهاد بیانگر حد و اندازه بهره‌ای است که خواننده باید از مطالعه کتاب حاضر انتظار داشته باشد.

نظر به آنچه پیش‌تر درباره محتوای کتاب گفته شد، سخن‌گفتن از کاستی‌های شکلی کتاب چندان وجهی نخواهد داشت. با این حال، به برخی اشکالات شکلی عمده کتاب فهرست‌وار اشاره می‌شود. اگر از اشکالات چاپی اعم از حروف‌چینی نه‌چندان شکیل، ناهمسانی قلم‌ها چه در متن و چه در پاورقی‌ها، ناهماهنگی و نامشخص بودن عناوین اصلی و فرعی، نابسامانی پاورقی‌ها، غلط‌های چاپی^{۳۵} و کیفیت پایین تصاویر و نمودارها صرف‌نظر کنیم، یکی از ایرادهای عمده، فقدان نظام هماهنگ ارجاعات است. مؤلف هیچ تمایزی میان مطالبی که به طور کامل از منابع نقل کرده با مطالبی که نقل به مضمون کرده، قائل نشده است. گذشته از آنکه به در موارد بسیاری مطالبی را از منبعی نقل کرده و ارجاعات آن منبع دست دوم را نیز به همان شکل در پاورقی آورده و در نهایت به همان منبع دست دوم ارجاع داده است. خواننده ناآشنا چنین می‌پندارد که همه این ارجاعات حاصل تحقیق مؤلف بوده، حال آنکه تنها آخرین ارجاع اصالت دارد و مابقی نه.^{۳۶}

سخن آخر

کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان بیش از آنکه تحقیقی تحلیلی باشد، ترجمه و تدوین پژوهش‌های حدیثی موتسکی است. شایسته‌تر آن بود که این کتاب با عنوان «گزیده مطالعات حدیث‌شناختی موتسکی» منتشر می‌شد و گزارش‌های تفصیلی مؤلف از پژوهش‌های موتسکی که در فصل‌های دوم تا چهارم کتاب حاضر آمده است به تفکیک عنوان پژوهش‌ها، در قالب فصل‌های مختلف کتاب تنظیم می‌شد. شایسته بود آنچه در فصل پنجم کتاب آمده به اجمال در مقدمه کتاب و با عنوان «درآمدی بر مبانی روش‌شناختی حدیث‌پژوهی موتسکی» قرار گیرد. در همین مقدمه لازم بود در چند پاراگراف کوتاه، پیشینه‌ای از حدیث‌پژوهی غربی - فصل نخست کتاب حاضر - نیز بیان می‌شد. چنین اثری البته شایسته تقدیر هم بود، چنان‌که در شکل کنونی نیز هست، چه اینکه محققان در حوزه‌های علمی و

۳۵. وجود غلط‌های تایپی به امری عادی در فرهنگ نشر کشور بدل شده و گویا گزیری از آن نیست، اما برخی غلط‌ها در این کتاب دور از انتظار است. یک نمونه عجیب ضبط نام لاتین هارالد موتسکی در نخستین پاورقی‌های کتاب به صورت نادرست است که در مقدمه کتاب در صفحه ۳ Motzki به جای Motzki آمده است. دست‌کم برای کتابی که به روش‌شناسی حدیثی موتسکی می‌پردازد، چنین خطایی قابل اغماض نیست. البته این تنها خطا در ضبط اعلام لاتین کتاب نیست. برای خطاهای دیگر، رک به: ص ۲۴، پاورقی ۱، ص ۹۶، پاورقی ۲ (Fuck به جای Fück)، ص ۵۸، پاورقی ۱ (Abbot به جای Abbott) که تا آخر کتاب همین خطا تکرار شده است، ص ۹۵، پاورقی ۶ (Hovovitz به جای Horovitz)، ص ۱۱۲، پاورقی ۴، ص ۱۱۳، پاورقی ۱ (Culson به جای Coulson)، ص ۱۶۸، پاورقی ۴ (Jchacht به جای Schacht)، ص ۱۸۱، پاورقی ۲ (Michel به جای Michael)، ص ۳۵۵، پاورقی ۲ (Dutton به جای Datton).

۳۶. موبد این مدعا ارجاع به منابع لاتینی است که معمولاً در ایران در دسترس نیستند که نمونه آن پیش‌تر گفته شد.

